

فارس

در روز بزرگداشت سعدی، تأثیر حضور شعر در رسانه ملی را بررسی کرده‌ایم

جذب مخاطب میلیونی با اعتماد به شعر ایرانی

صفحه ۸

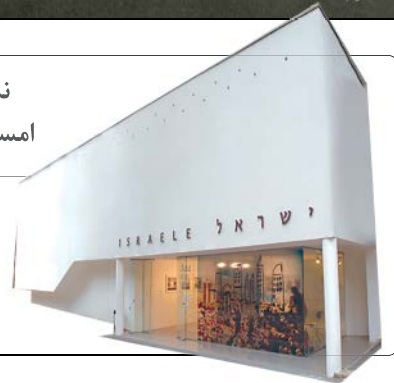
نگاهی به فیلم آسمان غرب ساخته محمد عسکری

موج نوی
سینمای دفاع مقدس



نمایندگان اسرائیل غرفه‌شان در بی‌ینال امسال را تا زمان آتش‌بس در غزه باز نمی‌کنند

هنرمندان یهودی
علیه اسرائیل



نگاهی به سریال «داجر زبردست» که از شبکه ۴ پخش شد

سارقی که
دکتر شد



زاویه دید

شیر دانی
روزنامه‌نگار

هنر هر سرزمینی، بیانگر حالات، اطوار و نوع تفکر مردمان دوران است. بررسی آثار به‌دست‌آمده می‌تواند به‌عنوان یک سند مسجل، نکات مختلفی در اختیار پژوهشگران قرار دهد تا دریابند که پیشینیان یک سرزمین چگونه می‌اندیشیدند و چه خصایصی داشته‌اند. در این میان هنر نگارگری، به‌خصوص مینیاتورهای بازمانده از نسخ عمدتاً شاهنامه، طی ۸۰۰ سال گذشته، در اقصی‌نقاط ایران، نقش مهمی در شناخت امروز ما از تاریخ سرزمین‌مان ایفا کرده و می‌کند. امروزه به‌وسیله همین اسناد که در جای‌جای موزه‌ها و مجموعه‌های داخل و خارج کشور نگهداری می‌شوند، اطلاعات بسیاری از ایران پس از حمله مغول در اختیار است؛ به‌ویژه پس از استقرار دولت به‌اصطلاح ملی صفویان که میراث‌دار مکاتب هنری ایرانی - مغولی است، به تبعیت از کارگاه‌های هرات تیموری و ترکمانان، کارگاه‌هایی مجلل‌تر از آنها در تبریز، قزوین و سپس اصفهان بنا کردند که حاصل آن سده‌ها نسخه فاخر و نفیس از آثار ادبی ایران شد. لیکن به‌دلیل تعدد و گستردگی و فراگیری هنر کارگاهی و در نتیجه آثار تولیدشده فراوان و نیز خروج بسیاری از آثار از ایران، تمرکز پژوهش‌ها به مکاتب اصلی دیرباز سوق پیدا کرده که متأسفانه توجه به هنر سرزمین‌های دورتر از پایتخت را تحت‌الشعاع قرار داده است. دکتر محمدرضا ساختمان‌گر، دکترای هنر اسلامی با بررسی تعدادی از شاهنامه‌های منسوب به استرآباد عصر صفوی، عنوان می‌کند که استرآباد اواسط صفوی دارای کارگاه یا کارگاه‌هایی بوده که آثار تهیه‌شده در این کارگاه‌ها که همگی از ایران خارج و در موزه‌های جهان نگهداری می‌شوند، بیانگر یک مکتب هنری ایالتی است. در خصوص «مکتب استرآباد» با ایشان گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

۴

مکاتب هنری مختلفی در عرصه هنر بوده‌اند که در غبار تلاطم‌های اجتماعی گم شده‌اند. یکی از این مکاتب مکتب استرآباد است. منشأ این مکتب از کجا آغاز می‌شود؟

پس از تعطیلی کارگاه قزوین توسط شاه تهماسب که یک‌شبه از همه مناهای توبه و تعصب مذهبی پیشه کرد، تعداد زیادی هنرمند راهی سرزمین‌های دیگر برای یافتن حامیان جدید شدند. هرچند از زمان تیموریان هنر ایالتی تحت حمایت شاهزاده‌های تیموری باب شده بود ولی در دوره صفویان گستردگی بیشتری یافت. تعدادی از هنرمندان یکپارشد، به کشورهای چون هند و عثمانی و ازبکستان مهاجرت کردند. ولی عده‌ای توسط شاهزاده‌ها و حاکمان محلی جذب و در کارگاه‌های محلی مشغول تهیه نسخ خطی شدند. یکی از این مناطق استرآباد بود که در اواسط عصر صفوی، پس از مدت‌ها کشمکش بین قبایل قزلباش، سرانجام با تدبیر شاه‌عباس و حمایت خاندانی

در گفت‌وگو با دکتر محمدرضا ساختمان‌گر، پژوهشگر هنر تشریح شد

مکتب استرآباد؛ گمشده در غبار

عناصر منحصربه‌فردی است که آن را از دیگر مکاتب پیشین و هم‌عصر خود مجزا می‌سازد.

التقاطی یعنی چه؟

یعنی بسیاری از ویژگی‌های مکاتب هم‌عصر خود مانند مکتب شیراز، مشهد و بخارا و نیز برخی خصایص مکاتب پیش از خود یعنی قزوین، تبریز و هرات را داراست؛ اما با ترکیب آنها به سبکی یونیک و منحصربه‌فرد رسیده است که خود را از همه آنها مجزا می‌سازد. به‌طورمثال از لباس‌های عصر صفوی پیروی می‌کند ولی کلاه قزلباشی ندارد، صورت‌ها و فیگورها به مکتب مشهد نزدیک است اما در کشیدن چهره جوانان و کودکان یک نوع اغراق در زنانه‌پردازی وجود دارد که مختص همین منطقه است. همچنین وجود تپه‌های فراوان، سبزی پوشش زمین و درختان سرسبز نشان از منطقه معتدل و پوشیده از گیاه شرق‌مانداران و ترکان دارد؛ اما جذابیت اصلی این سبک در پالت رنگی آن است. استفاده بسیار بی‌محایای هنرمندان کارگاه استرآباد عصر صفوی از رنگ‌های اصلی در کنار هم به شکلی است که تا پیش از آن شاهد نیستیم. مثلاً استفاده از رنگ قرمز و زرد خالص در کنار آبی



برش

+

عمر کوتاه مکتب استرآباد

استرآباد در طول تاریخ خود، به‌خصوص پس از حمله مغول، کانون تحولات و نیز تجمع نخبگان بوده است. واقع شدن استرآباد در شاهراه «جاده ابریشم» و نیز دارا بودن خاکی مستعد کشاورزی و نیز وجود دریای خزر، این سرزمین را جزو مناطق پولدار دوران قرار داده است. در کنار مسائل مالی، تاریخ این سرزمین نشان‌دهنده جمع عظیمی از ادبا، فقها، شعرا، دانشمندان و هنرمندان اعصار گوناگون است. حضور سلطان حسین بایقرا به‌عنوان حاکم استرآباد قبل از رسیدن به حکومت هرات در کنار وزیر دانشمند خود یعنی امیر علی شیرنوی در این منطقه نشان از وجود یک جمع هنری ادبی پیش از صفویان دارد. تاریخ استرآباد هم مملو از حضور هنرمندان فراوانی در طول دوران خود است. این دو عامل، یعنی پول و پیشینه فرهنگی مناسب، یک چیز کم داشت و آن هم موضوع «امنیت» است.

صفویان به استرآباد اهمیت فراوانی می‌دادند اما قدرت‌خواهی سران قزلباش و علاقه آنان به این منطقه، ثبات و امنیت را از این منطقه دور ساخته بود تا این که سرانجام در

ادامه سیاست کم‌کردن قدرت قزلباشان توسط شاه‌عباس، حکومت استرآباد به خاندان چرکس رسید که مورد حمایت خود پادشاه بود. فریدون خان چرکس سرانجام دوران نسبتاً طولانی امنیت را در استرآباد پدید آورد که همین امر از عوامل رویکرد حکومت محلی فریدون خان به موضوع فرهنگ و هنر می‌تواند باشد. متأسفانه این موضوع پس از مرگ شاه‌عباس رنگ‌باخت و در نتیجه مکتب استرآباد هم عمر طولانی نداشت.



لاجوردی بی‌نظیر است. این نشان از شهامت هنرمند استرآباد در به‌کارگیری رنگ‌های اصلی در کنار هم دارد. چیزی که در مکاتب پیشین کمتر شاهدیم و هنرمند تلاش داشته تا از خاکستری‌های مختلف در جهت هماهنگی تابلو بهره ببرد.

چرا تابه‌حال نامی از آثار مکتب استرآباد برده نشده است؟

متأسفانه به‌دلیل این‌که تمامی این نگاره‌ها در خارج از ایران نگهداری می‌شوند، پژوهشگر داخلی از آنها بی‌اطلاع است. اما در ابتدای کار من با ۱۵ نگاره بی‌نام و نشان در موزه ملک تهران مواجه شدم که منسوب به استرآباد بود. با بررسی فراوان و تطبیق با آثار موزه‌های بریتانیا مشخص شد که این ۱۵ نگاره که برگ‌برگ شده است، از یک نسخه اصلی بوده که البته معلوم نیست برگه‌های دیگر آن کجاست اما این ۱۵ نگاره در حقیقت فلاتنهای مینیاتوره‌های کارگاه استرآباد عصر صفوی است که در ایران وجود دارند. همین عدم دسترسی به نگاره‌ها و نیز شرایط خاص پژوهش در کشور و انگیزه‌های کم در میان متخصصان باعث شده تا بسیاری از موارد مشابه در گوشه موزه‌های ما به قول معروف خاک بخورند و کسی رغبت نکند تا آنها را مورد بررسی قرار دهد؛ اما شویخانه با خوشبختانه مستشرقین و علاقه‌مندان به هنر ایران در کشورهای غربی به این موارد بسیار علاقه‌مند هستند. مکتب استرآباد برای آنها ناشناخته نیست. درواقع ما از آن غافل بوده‌ایم. در بسیاری از کاتالوگ‌ها و کتب قدیمی غربی که درباره هنر نگارگری ایران صحبت شده به مکتب استرآباد اشاره گردیده اما متأسفانه ما آن را نمی‌شناسیم.

ناشران، دانشگاه‌ها و اساتید و در نهایت دانشجویان هنر هم به‌دلیل مشکلات پیش‌رو علاقه‌ای به این نوع پژوهش‌ها ندارند. این کار از روی علاقه شخصی خودم شروع شد. به نوعی برابیم جذاب بود. هیچ‌کس از آن خبر نداشت؛ ولی امروز می‌دانیم که سرزمین ترکان، در عصر صفوی دارای یک کارگاه هنری درباری ایالتی بوده که تعداد فراوانی نسخه شاهنامه از آن بیرون آمده و هم‌اکنون زینت بخش موزه‌های دنیاست. امیدوارم این تحقیقات فتح بایی برای پژوهش‌های جامع‌تر و گسترده‌تری باشد تا نقاط بیشتری از سرزمین استرآباد روشن شود.

نگاه

لرزم درایت کارفرمایان فرهنگی برای تولید آثار با محور مقاومت



داریوش یاری
آرکگردان

مقاومت به‌خوبی برای جامعه بازو تنبیین نشده است. ما به‌دنبال یک ساختار یا هدف باید به‌درستی دست به روشنگری بزنیم. معلوم است که ما در ایران اجازه نداریم مستقیم نیرو به منطقه وارد کنیم، ولی می‌توانیم به‌عنوان یک امت از مردم غزه حمایت کنیم. اگر چنین نکنیم که تعریف ما از قرارگرفتن در کنار مظلوم و باور به ایستادگی در برابر ظالم خراب می‌شود.

حوادث امت‌ها و نیروها را یکی می‌کند و اگر مقاومت برای همگان به‌درستی تبیین و تعریف شده بود، می‌توانست امت اسلامی را به امتی واحد بدل کند. مانند اتفاقی که در جنگ‌های صلیبی رخ داد. اگر اجازه دهیم ظلم اتفاق بیفتد، باز کاروان زینبی دیگری به اسارت خواهد رفت، باز حسینی دیگر سر بریده خواهد شد و باز هم ناجوانمردانه سر سیاوشی دیگر، به همین جهت است که دموکراسی به میدان می‌آید چون می‌داند مقاومت به دنبال چیست و در برابر ظلم هرگز سکوت نمی‌کند و با آگاهی نسبت به این موضع، اجازه نمی‌دهند باز معنای واقعی مقاومت برای همگان به درستی ترجمه و فهم شود. مدام راست را دروغ و دروغ را راست می‌کنند تا در نهایت بگویند دیدید مقاومتی هاترورست بودند!

وقایعی که در جریان مقاومت رخ می‌دهد به اندازه کافی بار درماتیک و موضوع برای پرداخت درماتیک دارد، باوجود چنین ویژگی‌ای در مقاومت به‌نظر می‌رسد درایت لازم و تبیین کافی در بین مدیران و کارفرمایان فرهنگی کشور وجود ندارد. برای همین تولید سینمایی در این زمینه به اندازه‌ای که خوراک در این وقایع وجود دارد، دیده نمی‌شود. نباید علت کمبود تولیدات را در این زمینه در بین سینماگران و هنرمندان جست‌وجو کنیم.

مطلقاً در این زمینه مقصر اصلی کارفرمایان فرهنگی هستند که به اندازه کافی در زمینه موضوعات مربوط به مقاومت آگاه نیستند. ما فیلمسازان زیادی داریم که اگر مفاهیم مورد بحث و معنای واقعی مقاومت را بفهمند، حتماً با این ارزش‌ها همراه خواهند شد و دست به تولید اثر می‌زنند. چه بسا همین حالا نیز بسیاری از هنرمندان این مهم را می‌دانند. در واقع زمانی که مدیران فهم درستی از مقوله مقاومت داشته باشند، افرادی که در سطوح پایین‌تر از آنها هستند، ناخودآگاه دست به تولید اثر با این موضوع می‌زنند.